

## The Semantic Geometry of Defamation of God and the Role of Ontology in its Drawing

Hosein

Hasanzadeh  \*

Assistant Professor of Information and Document Organization Department, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom. Iran

### Abstract

Slandering God is attributing something unjustly or without knowledge to God Almighty or describing Him to things that do not exist in Him. The purpose of this research is to discover the semantic system of defamation of God in the Holy Quran with the ontology method, which is a method of information science and epistemology to manage information in a scientific field. The question is, how can ontology help us in discovering the semantic geometry of slandering God in the Qur'an? It is obvious that the existence of a precise, objective and transparent map in every scientific field and research topic can be a road map for researchers and make the production of thought in that field smoother. In order to achieve this purpose and with the analytical descriptive method, after defining the concept of ontology and defamation, it has been tried to extract concepts that are related to "defamation of God" in the Qur'an and commentaries, and with the ontological method, the type of communication They should be discovered and classified. The finding of the research is that several concepts are semantically related to "defamation of God"; These concepts include: guidance, growth, misguidance, harm, mercy, forgiveness, charity, distortion of religion, polytheism, disbelief, idolatry, solitude, divine curse, divine wrath, cruelty, divine punishment, happiness, misery, salvation and security.


**Keywords:** Defamation, Defamation of God, lies, Semantics of Defamation, Defamation in the Quran.

\* Corresponding Author: shaakhali@gmail.com

**How to Cite:** Hasanzadeh, H. (2023). The Semantic Geometry of Defamation of God and the Role of Ontology in its Drawing, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 13(51), 141-176.

## هندسه معنایی افترا بر خدا و نقش هستی‌شناسی در ترسیم آن

استادیار گروه سازماندهی اطلاعات و مدارک پژوهشگاه علوم و فرهنگ

حسین حسن‌زاده \* 

اسلامی، قم، ایران

### چکیده

افترا بر خدا، نسبت دادن چیزی به ناحق و یا بدون علم به خدای تعالی و یا توصیف او به چیزهایی است که در او وجود ندارد. هدف این پژوهش کشف منظومه معنایی افترا بر خدا در قرآن کریم با روش هستی‌شناسی (آنتولوژی) است که شیوه‌ای از علم اطلاعات و دانش‌شناسی برای مدیریت اطلاعات در یک حوزه علمی است. سؤال این است هستی‌شناسی چگونه می‌تواند ما را در کشف هندسه معنایی افترا بر خدا در قرآن کمک کند؟ بدیهی است وجود نقشه دقیق، عینی و شفاف در هر حوزه علمی و موضوعات پژوهشی می‌تواند نقشه راه پژوهش‌گران بوده و تولید اندیشه در آن زمینه را هموارتر سازد. برای نیل به این مقصود و با روش توصیفی تحلیلی، پس از تعریف مفهوم هستی‌شناسی و افترا، سعی شده است مفاهیمی که به نوعی با «افترا بر خدا» در قرآن و تفاسیر، ارتباط دارد استخراج گردد و با روش هستی‌شناسی، نوع ارتباطات آن‌ها کشف و دسته‌بندی شود. یافته پژوهش این است که مفاهیم متعددی با «افترا بر خدا» ارتباط معنایی دارند؛ این مفاهیم عبارتند از: هدایت، رشد، ضلالت، ضرر، رحمت، مغفرت، خیرات، تحریف دین، شرک، کفر، پرستش بت، خلود، لعنت الهی، غضب الهی، ظلم، عذاب الهی، سعادت، شقاوت، رستگاری و امنیت.

کلیدواژه‌ها: افترا، افترا بر خدا، دروغ، معناشناسی افترا، افترا در قرآن.

## ۱. مقدمه

پیامدهای اعتقادی و اخلاقی افترا بر خدا از سایر مصادیق افترا بیشتر است؛ به همین جهت ضرورت مبارزه با این رفتار ناپسند اخلاقی بیشتر احساس می‌شود؛ اما مبارزه با ناهنجاری‌های شایع در یک جامعه، بدون آگاهی و احاطه علمی به همه جوانب آن، نتیجه مطلوبی ندارد؛ بنابراین ضرورت وجود نقشه مفهومی در این مسئله نیز اجتناب‌ناپذیر است. از سویی قرآن به عنوان آخرین کتاب الهی و نسخه شفابخش دین جاوید الهی - به دلایلی که جای طرح آن در این مقاله نیست - نقشه راه سعادت بشر در همه عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری بوده و در همه عرصه‌ها از جمله رفع نقیصه اخلاقی افترا بر خدا، برنامه‌ای جامع دارد؛ همچنان که می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل: ۸۹). شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: قرآن بیان برای هر مشکلی است (ر.ک؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶: ۴۱۸).

واژه افتراء و مشتقات آن ۶۱ بار در قرآن شریف استعمال شده‌است. بدیهی است کثرت استعمال یک واژه توسط متکلم، دلیل اهتمام او به این مسئله است (ر.ک؛ نقیب، ۱۳۹۷: ۱۲۷؛ روستایی، ۱۴۰۰: ۴۳) از سویی شناخت این برنامه، بدون کشف اطلس مفهومی افترا که طبعاً بر پایه مجموعه‌ای از واژگان افترا و مشتقاتش و نیز واژگان مرتبط با آن می‌باشد ممکن نیست. مسئله این مقاله کشف اطلس مفهومی افترا بر خدا در قرآن است. سؤالات تحقیق این است آیا آنتولوژی که شیوه‌ای در علم اطلاعات و دانش‌شناسی برای مدیریت اطلاعات مفاهیم و موجودیت‌ها است، می‌تواند ما را در ترسیم اطلس معنایی افترا بر خدا در قرآن و تفاسیر کمک نماید و چگونه می‌توان از این شیوه برای ترسیم افترا بر خدا در قرآن استفاده نمود.

## ۱-۱. پیشینه پژوهش

با تتبعی که شده‌است در باره هندسه مفهومی افترا بر خدا، پژوهش مستقلی یافت نشد ولی در باره مفهوم عام افتراء، علاوه بر تبیین موردی آن در کتاب‌های تفسیری و اخلاقی، کتاب‌ها و مقالات متعددی نیز نگاشته شده‌است که بخش عمده آنها نگاه جرم‌انگارانه به

آن از نظر قانونی و فقهی و برخی نیز ناظر به جنبه معناشناسی این واژه در قرآن و روایات است مانند:

الف. مقاله «معناشناسی واژه «افتراء» با تأکید بر روش «واژه پژوهی موضوعی» نوشته علیرضا طیبی که بر اساس واژه پژوهی، واژه افترا را در قرآن بررسی کرده و نتیجه گرفته است که «افتراء عبارت از گفتار و کرداری است که فاقد پشتوانه علمی، دینی و یا عقلانی است» (ر.ک؛ طیبی، ۱۳۹۵؛ نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی).

ب. مقاله «معناشناسی واژگان مترادف نما در قرآن؛ مطالعه موردی: کذب، افک، بهتان و افتراء» نوشته بی بی حکیمه حسینی و سیده فاطمه شاه‌مرادی که با نگاهی معناشناختی، تفاوت واژگان مذکور در قرآن را مورد مطالعه قرار داده و نتیجه گرفته است که افتراء به معنای جعل دروغ و چیزی از خود در آوردن و دروغی است که اگر شخص بفهمد ناراحت شود (ر.ک؛ حسینی، ۱۳۹۵؛ نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی).

ج. مقاله بررسی حوزه معنایی افترا و بهتان در قرآن کریم و روایات نوشته سیدحسن بطحایی و مهین خداپرست و رقیه انصاری که از حیث لغوی و گستره مصداقی آن شامل افترا به خدا افترا به پیامبران و افترا به مؤمنان، بررسی شده است (ر.ک؛ بطحایی، ۱۳۹۵؛ نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی).

د. مقاله «جستاری در معناشناسی افترا و بهتان و قلمرو آن در قرآن» نوشته اعظم وفایی که پس از بررسی لغوی واژه افتراء، مصادیق آن را در آیات قرآن توضیح داده است (ر.ک؛ وفایی، ۱۳۹۶، شماره ۴: صص ۱۰۵-۱۲۰).

ه. مقاله «نگرشی نو به کذب و افترا بر خدا و رسول در حوزه حدیث» نوشته محمدحسین امامی جو، که ابتدا معنای کذب و افتراء، سپس زشتی کذب و افترا بر خدا و رسول و اقسام آنها، به ویژه انکار و حیانی بودن دین را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که احتمال صدق حدیث مانع از رد حدیث می‌شود (ر.ک؛ امامی جو، ۱۳۹۰: شماره ۳۰، صص ۳۱-۵۸).

تمرکز مقاله حاضر بر محور افترا بر خدا به عنوان یکی از مصادیق افترا در قرآن است که علاوه بر تبیین معنای آن، تلاش شده‌است با استفاده از روش آنتولوژی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی، منظومه معنایی و ارتباطات آن در قرآن استخراج گردد و همین نیز از امتیاز این مقاله است.

## ۱-۲. روش پژوهش

در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی، نحوه استفاده از روش هستی‌شناسی (آنتولوژی) برای کشف اطلس مفهومی افترا بر خدا در قرآن و تفاسیر و ترسیم آن به نمایش گذاشته شده‌است تا نقشه راهی باشد برای همه محققانی که می‌خواهند در مسئله افترا بر خدا، تحقیق و پژوهش نمایند.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۱-۲. هستی‌شناسی

هستی‌شناسی اساساً مفهومی فلسفی است اما امروزه در علم دانش‌شناسی نیز کاربرد دارد. واژه هستی‌شناسی (آنتولوژی) در علم کتابداری یا علم دانش‌شناسی از آغاز دهه ۱۹۹۰ از فلسفه وارد هوش مصنوعی شد و به یکی از مباحث پژوهشی مهم در علوم رایانه تبدیل گردید و در حوزه‌های مختلف هوش مصنوعی از قبیل مهندسی دانش، پردازش زبان طبیعی و بازنمون دانش (ر.ک؛ صفری، ۱۳۸۳: ۷۹) مهندسی نرم‌افزار، پایگاه‌های داده و وب معنایی مورد مطالعه قرار گرفت. تعریف‌های متعددی از این واژه ارائه شده‌است؛ گروبر<sup>۱</sup> آنتولوژی را تشخیص روشن، واضح و ذکر خصوصیات صریح از مفاهیم می‌داند (ر.ک؛ شیخ شعاعی، ۱۳۸۴: ۱۸۹؛ صنعت‌جو، ۱۳۸۴: ۸۴؛ صفری، ۱۳۸۳: ۸۰). سورگل<sup>۲</sup> معتقد است هستی‌شناسی‌ها شکل گسترش‌یافته رده‌بندی‌ها با هدف کمک به کاربران در بازیابی متون بر روی وب است (ر.ک؛ صنعت‌جو، ۱۳۸۴: ۸۴) از نظر «سوا»

---

1. Gruber

2. Sorgel

هستی‌شناسی ذکر مشخصاتی از انواع مدخل‌ها در یک حوزه موضوعی خاص و نیز انواع روابط خاص است که در یک ترتیب جزئی و ساده سازمان یافته‌اند (ر.ک؛ همان: ۸۵).

این تعاریف به رغم تفاوت در تعابیر، یک نقطه اشتراک دارند و آن این است که هستی‌شناسی عبارت است از مجموعه مفاهیم در یک حوزه خاص به همراه روابط دقیق، صریح، عینی و گویا میان آن مفاهیم. و به نظر می‌رسد تنها تفاوت اساسی میان اصطلاح‌نامه و هستی‌شناسی‌ها در همین قید اخیر (گویایی رابطه بین مفاهیم) باشد. مقصود از «گویایی رابطه بین مفاهیم» کاهش ابهام مفهومی و وجود روابط معنایی روشن و دقیق میان مفاهیم یک علم است (ر.ک؛ بهشتی، ۱۳۹۳: ۶۷۸). وجود روابط معنایی دقیق در هستی‌شناسی‌ها برای بهبود و تقویت سیستم‌های بازیابی و فرایندهای خودکار استدلال ماشینی و همچنین وب معنایی بسیار مهم و لازم است (همان). رویکرد حاکم بر طراحی و توسعه هستی‌شناسی‌ها بر آن است تا به جای ساختار ایستای اصطلاح‌نامه‌ها که عمدتاً مبتنی بر روابط سلسله‌مراتبی میان مفاهیم است، ساختاری پویا و چندوجهی به دست دهد و میان مفاهیم، روابطی غیرخطی و شبکه‌ای برقرار سازد؛ همچنین این رویکرد به دنبال آن است که بازنمون دانش را هرچه بیشتر از زبان مصنوعی منفک کند و به زبان طبیعی و واقعی نزدیک سازد؛ از این جهت هستی‌شناسی‌ها نسبت به اصطلاح‌نامه‌ها می‌توانند منطقی‌تر بازنمون کارآمدتری و رضایت‌بخش‌تری از دانش ارائه دهند (ر.ک؛ فتاحی، ۱۳۹۵: ۴۱۷).

## ۲-۲. افترا

واژه افتراء در لغت از ریشه «ف ر ی» در اصل به معنای بریدن، قطع کردن و شکافتن است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۲۰ ق، ج ۴: ۴۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵: ۱۵۲) برخی گفته‌اند: «فری» به معنای بریدن پوست برای دوختن و اصلاح و «افراء» شکافتن آن به قصد افساد است و «افترا» در هر دو معنا به کار می‌رود (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۳۴).

در اصطلاح به معنای از پیش خود بافتن و نسبت غیر واقع به کسی دادن است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶، ج ۴: ۹۱) گفته شده، ممکن است وجه ارتباط این معنا با

معنای لغوی، این باشد که فرد با افترای به دیگری و متهم کردن وی ارتباط او را با جامعه قطع و او را طرد می‌کند. (همان)

## ۲-۲-۱. افترا بر خدا

افترا به خدا یعنی نسبت دادن چیزی به ناحق و یا بدون علم به خدای تعالی و یا توصیف او به چیزهایی است که در او وجود ندارد (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۱۸۸) افترا بر خدا این است که کاری را که خدا نکرده است به او اسناد دهند (اثبات منفی) و کاری که خدا انجام داده است، نفی و انکار کنند (انکار مثبت)؛ نظیر افترای که مدعی دروغین نبوت و منکر نبوت به خدا می‌بندد (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۲۴: ۵۹۵).

## ۲-۲-۲. افترای کذب بر خدا

مضمون افترا بر خدا با تعبیر مختلف آمده است برخی از آن‌ها با تعبیر «فَمَنْ أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ» (آل عمران: ۹۴) است. با توجه به این که افترا اخص کذب است (ر.ک؛ طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۵: ۳۲؛ مجموعه‌ای از محققان، ج ۴: ۹۱) آنگاه این سؤال مطرح می‌شود که مقصود از افترای کذب بر خداوند چیست؟ برخی گفته‌اند: چون افترا همان کذب عمدی است بنابر این ذکر واژه کذب بعد از افترا، از باب تأکید است؛ (ر.ک؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۶: ۵۰) به نظر می‌رسد ذکر واژه «کذب» بعد از «افترا» به جهت مصداق این افترا یعنی افترای بر خدا است. بیان مطلب این است که همان گونه که برخی از مفسران گفته‌اند مقصود از افترای کذب بر خدا را همان شرک به خدای تعالی است (ر.ک؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۲۸۳) که دروغ‌ترین دروغ‌ها است زیرا بعضی از دروغ‌ها اگر چه از یک جهت دروغ است اما از جهتی دیگر ریشه در واقعیات دارد مثل نسبت دزدی به شخصی که دزدی نکرده است؛ این نسبت از آن جهت که انتساب دزدی به شخص معین است دروغ است یعنی خبر غیر مطابق با واقع است اما اصل دزدی در عالم خارج وجود دارد؛ ولی شرک، اینگونه نیست؛ یعنی در عین این که انتساب شریک به خدای تعالی خلاف واقع است خود شرک نیز اساساً امکان وجود ندارد چون ممتنع الوجود بالذات

است بنابراین قرار دادن شریک برای خدای تعالی از هر دو جهت، غیر مطابق با واقع است به همین جهت دروغ بودن آن قابل مقایسه با سایر دروغ‌ها نیست.

### ۳. هستی‌شناسی افترا بر خدا

فهم مراد متکلم از استعمال یک لفظ، بدون توجه به منظومه استعمال واژگانی در آثار متکلم، فهم کاملی نیست. برای فهم حقیقت مفهوم افترا بر خدا از منظر قرآن باید مجموعه کاربرد این واژه در قرآن و واژگانی که به نوعی در ارتباط با آن هستند مورد توجه قرار گیرد. این واژه‌ها با توجه به ساختار هستی‌شناسی‌ها در سه سطح زیر بررسی می‌شوند.

#### ۳-۱. کلاس (مفهوم عام) افترا بر خدا

طبقه اول اصطلاحات و کلیدواژگان موجود در هستی‌شناسی‌ها، «کلاس‌ها» هستند. «کلاس» را این گونه تعریف کرده‌اند: «گروهی از موجودات یا اشیا که دارای ویژگی‌های مشابهی هستند. گاهی به جای این اصطلاح در ادبیات هستی‌شناسی، از واژه «مفهوم» استفاده می‌شود» (شریف، ۱۳۸۷: ۱۰۵). مقصود از ویژگی‌های مشابه اموری است که توجیه‌کننده اندراج زیر کلاس‌ها تحت یک کلاس می‌باشند که شامل مفاهیم دارای اشتراک معنوی و هر نوع رابطه وجودی یک کلید واژه با کلاس (مفهوم) مذکور است. ممکن است سؤال شود که آیا سایر اصطلاحات و کلید واژه‌های موجود در هستی‌شناسی‌ها در زمره مفاهیم نیستند. این پرسشی است که پاسخ دقیق آن می‌تواند نقش هستی‌شناسانه آنتولوژی را هویدا نماید. تردیدی نیست که اصطلاحات و کلیدواژه‌ها محصول مفاهیم ذهنی و دالان ارتباط انسان‌ها با یکدیگر هستند؛ از سویی محوریت اصلی هستی‌شناسی‌ها را نیز همین اصطلاحات و کلیدواژگان تشکیل می‌دهند پس علت تقسیم آنها به بخش مفاهیم (کلاس‌ها) و نمونه‌ها (زیر کلاس‌ها) چیست؟ جوابش این است که نحوه مدیریت اطلاعات در آنتولوژی بر اساس واقع بوده و با مباحث صرفاً انتزاعی کاری ندارند و به خاطر همین جهت است که عنوان هستی‌شناسی را به خود گرفته‌اند؛ اما این مسأله هرگز به معنای نادیده گرفتن مفاهیم نمی‌باشد چرا که مبدأ تعاملات افراد بشر همین



مفاهیم هستند؛ از سویی بسنده کردن به مفاهیم و عدم توجه به حقایق آن مفاهیم در مقام واقع به معنای عدم واقع‌گرایی انسان است؛ به همین جهت در هستی‌شناسی‌ها به عناوین عام، اطلاق کلاس یا مفهوم شده و به زیرمجموعه‌هایی که ارتباط عینی و واقعی با کلاس (مفاهیم) دارند عنوان نمونه و زیرکلاس اطلاق می‌شود (ر.ک؛ حسن‌زاده، ۱۳۹۷: ۴۱).

با توجه به مطلب فوق، به نظر می‌رسد که افترا بر خدا را نباید به عنوان یک «کلاس» در نظر گرفت، زیرا افترا بر خدا مصداقی از افترا در قرآن است؛ از سویی، افترا نیز مفهوم عام‌تری دارد که عبارت از مفهوم کذب است بنابر این، کلاس (مفهوم عام) افترا بر خدا همان مفهوم کذب است که در قرآن کریم با مشتقاتش دویست و هشتاد و دو مرتبه در قرآن آمده‌است. دلیل این که کذب به عنوان کلاس (مفهوم عام) افترا بر خدا است نه افترا، توجه به تفاوت این دو واژه است.

برای کذب تعاریف متفاوتی مطرح شده‌است؛ مانند:

- عدم مطابقت خبر با واقع (ر.ک؛ جرجانی، ۱۴۱۸: ۱۳۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹: ۴۰۲).

- عدم مطابقت خبر با نفس‌الامر یعنی عدم مطابقت آن با لوح محفوظ (ر.ک؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ۳: ۵۹۶).

- عدم مطابقت قول با ضمیر (نهان انسان) و مخبرعنه (واقع). (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ه.ق، ص ۴۷۸).

افترا نیز نسبت غیر واقع به کسی دادن است (دایرة المعارف قرآن، واژه افترا) که در واقع متضمن معنای کذب است یعنی عدم مطابقت خبر با واقع است. سؤال این است که تفاوت افترا با دروغ چیست؟ برخی گفته‌اند:

افترا به آن دسته از دروغ‌هایی اطلاق می‌شود که انسان به دروغ بودن آن قطع و یقین دارد و در عین حال از آن خبر می‌دهد (ر.ک؛ عسکری، ۱۴۰۰ق: ۳۸) بعضی هم گفته‌اند: افترا، دروغ بر ضد دیگران است با کلامی که آنان بدان رضایت ندارند؛ اما «کذب» گاهی در حق خود است و گاهی در حق دیگران، افزون بر اینکه آنان ممکن است رضایت به آن

نیز داشته باشند؛ مانند اینکه کلامی غیر واقعی در مدح شخصی یا با هدف اصلاح بین متخاصمین بیان گردد که چنین کلامی دروغ است؛ اما افترا نیست (دایرة المعارف قرآن، واژه افترا). نتیجه مطلب فوق این است که افتراء، نوعی دروغ است که با واژگان زیر ارتباط معنایی دارد:

### ۳-۱-۱. بهتان

واژه بهتان با مشتقاتش هشت بار در قرآن به کار رفته است؛ مانند: آیه ﴿وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيًّا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ (نساء: ۱۱۲) ارتباط معنایی افترا با بهتان به گونه‌ای است که برخی آن را مترادف افترا تلقی کرده‌اند (ر.ک؛ جمعی از محققان، ۱۳۸۶ش: ۳۴). بهتان از ریشه «بهت» و «بهت» در اصل به معنای دهشت و حیرت (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج: ۱: ۳۰۷) و در لغت به معنای دروغ (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج: ۱: ۳۰۷) و افترای دروغ آمده‌است. (ر.ک؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج: ۲: ۱۹۲) گفته شده بهتان، دروغی است که انسان در مواجهه با آن خوشش نمی‌آید و از آن مبهوت می‌شود (ر.ک؛ عسکری، ۱۴۰۰ق: ۳۸).

با توجه به تفاوت جهات معنایی بهتان و افترا، به نظر می‌رسد بهتان اخص از افترا است.



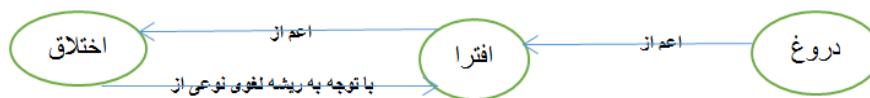
شکل ۱. گراف دروغ و بهتان

### ۳-۱-۲. اختلاق

در قرآن کریم از ریشه «خ ل ق» دو آیه است که بار معنایی کذب افترا را دارد که عبارتند از: آیه ﴿إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ﴾ (شعراء: ۱۳۷) (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج: ۸: ۴۷) و آیه ﴿مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ﴾ (ص: ۷).

در بررسی معنای واژه اختلاق باید به ریشه آن که همان خلق کردن و ایجاد کردن است نیز توجه شود؛ به همین جهت بعضی از لغت‌شناسان گفته‌اند: اختلاق، دروغی است

که انسان آن را از نزد خود خلق می‌کند یعنی دروغ را می‌بافد و نقل می‌کند (ر.ک؛ عسکری، ۱۴۰۰ق: ۳۸) بیشتر مفسرین نیز دو کلیدواژه را برای تبیین معنای اختلاق مد نظر قرار داده‌اند که عبارتند از: «تخرص» (تخمین زدن) و «کذب». (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶: ۳۶۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸: ۷۲۸) با در نظر گرفتن این مطلب، به نظر می‌رسد اختلاق، متضمن معنای افترا است و تفاوتش با افترا این است که کسی که افترا می‌زند، قطع به دروغ بودن دارد و از آن خبر می‌دهد ولی «اختلاق» نوعی گمان و تخمین است یعنی افترا زننده قطع به دروغ بودن آن ندارد و فقط حدس و تخمین می‌زند که دروغ است؛ طبق این معنا اختلاق، نوعی از افترا است.



شکل ۲. گراف دروغ و اختلاق

### ۲-۳. نمونه‌ها یا زیرکلاس‌های افترا بر خدا

نمونه، به هر یک از اعضای کلاس (مفهوم) گفته می‌شود و هر نمونه می‌تواند زیرکلاس‌هایی داشته باشد؛ بنابراین افترا بر خدا، خودش یک نمونه‌ای از افترا و افترا نیز نمونه و زیرکلاسی از کلاس کذب در هستی‌شناسی قرآن است. یک نمونه می‌تواند به چندین کلاس تعلق داشته باشد. نمونه‌ها، به مراتب بیشتر از تعداد کلاس‌های موجود در هستی‌شناسی‌ها است، تعداد کلاس‌های یک هستی‌شناسی ممکن است از صدها تا ده‌ها هزار باشد در حالی که تعداد نمونه‌ها یا زیر کلاس‌های از صدها تا صدها هزار و یا حتی بیشتر باشد (ر.ک؛ پایدار، ۱۳۸۹: ۷) نمونه‌ها اختصاص به کلیدواژگان اخص (اعم از اخص‌های جنس و نوعی، جزء و کل و یا مورد و مصداق یک مفهوم عام) نداشته و شامل هر نوع کلیدواژه‌ای می‌شود که با مفهوم عام (کلاس) ارتباط عینی و واقعی دارد و به همین ترتیب، زیر نمونه‌ها نیز اختصاص به مصداق و واژگان اخص ندارند بلکه شامل هر واژه‌ای می‌شود که ارتباط وجودی با زیر نمونه دارند (ر.ک؛ حسن‌زاده، ۱۳۹۷: ۴۱).

با توجه به مطالب فوق، زیر نمونه‌های کلیدواژه افترا بر خدا به شرح زیر است:

### ۳-۲-۱. نمونه ۱: ظلم و ظالم

کلیدواژه ظلم و ظالم، یکی از نمونه‌هایی است که از نظر وجودی یعنی در هندسه و بافت قرآن و تفاسیر، مرتبط با افترای بر خداست و نوع این ارتباط نیز با دقت در آیه و تفاسیر آن قابل فهم است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ (انعام: ۲۱). در این آیه چند مطلب وجود دارد که لازم است برای کشف رابطه افترا بر خدا با مسئله ظلم، به آن توجه شود:

اولاً: کسی که به خدای تعالی افترا می‌بندد، ظالم‌ترین افراد است؛ پس افترای بر خداوند، بزرگترین ظلم است.

ثانیاً: اگر افترا بر خدا - به عنوان بارزترین مصادیق افترا - بزرگترین ظلم است پس خود افترا نیز ظلم است.

ثالثاً: مقصود از افترای دروغ به خدا در آیه فوق طبق دیدگاه برخی از مفسران، قراردادن آلهه به عنوان شریک برای خدا (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۴: ۴۳۹) اثبات شریک برای او و ادعای نبوت و بدعت در احکام دین (ر.ک؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۷: ۴۵) و اعتقاد به این که فرشتگان الهی دختران خدایند و نیز اعتقاد به شفاعت بت‌ها است (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۶: ۲۳۱) و مقصود از افترا زندگان، کفار و منافقین‌اند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۲: ۱۳).

در شکل ۳، هستی‌شناسی کلید واژه «ظلم» با «افترا بر خدا» به تصویر کشیده شده است و نتایج آن با توجه به واقعیت آیه فوق و تفاسیر موجود ذیل آیه مذکور، عبارت است از:

الف. افترا بر خدا به دلیل عظمت وجودی باری تعالی، بزرگترین مصداق افترا است.

ب. افترا بر خدا بزرگترین مصداق ظلم است.

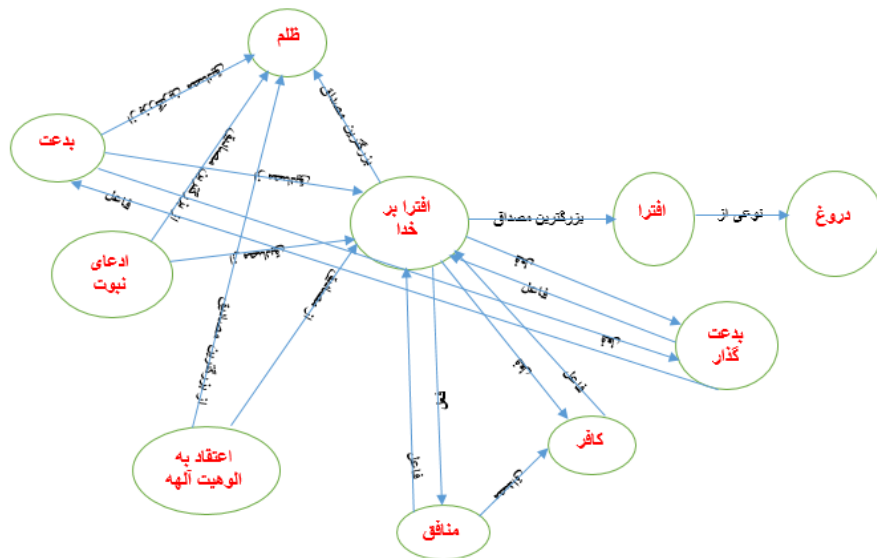
ج. قرار دان آلهه به عنوان شریک خدا و اثبات شریک برای او و نیز ادعای نبوت و بدعت در احکام دین، از مصادیق افترای بر خدا است.

هندسه معنایی افترا بر خدا و نقش هستی‌شناسی در ترسیم آن؛ حسن‌زاده | ۱۵۳

د. چون افترا بر خدا بزرگترین مصداق ظلم است پس قرار دان آلهه به عنوان شریک خدا و اثبات شریک برای او و نیز ادعای نبوت و بدعت در احکام دین بزرگترین مصداق ظلم است.

هـ بت پرست، مدعی دروغین نبوت، بدعت گذار، کافر و منافق، طبق دیدگاه قرآن و مفسران قرآن، بارزترین افترا زندگان به خدای تعالی هستند.

و. چون افترا بر خدا، بزرگترین ظلم است پس بت پرست، مدعی دروغین نبوت، بدعت گذار، کافر و منافق، ظالم‌ترین افراد بشر هستند.



شکل ۳. هستی‌شناسی افترا بر خدا

### ۳-۲-۲. نمونه ۲: عدم رستگاری

یکی دیگر از نمونه‌های کلاس «افترا بر خدا» در بافت معنایی قرآن، کلید واژه «عدم رستگاری» است که ترجمه «لا یفلح» است. خدای تعالی بر اساس آیه ۲۱ سوره انعام، فلاح و رستگاری را از افترا زندگان به خدا نفی کرده و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾.

بررسی تفاسیر مربوط به آیه فوق‌الذکر بیانگر این واقعیت است که مفهوم عدم فلاح و رستگاری در این تفاسیر با مفاهیم متعددی گره خورده و با آن مفاهیم ارتباط عینی دارد و در نتیجه با افترا بر خدا نیز ارتباط هستی‌شناسانه دارد. این مفاهیم عبارتند از: رحمت الهی، ثواب الهی، رضوان الهی، نجات، جهنم، عذاب، بهشت، امنیت، سعادت، فلاح، رستگاری، ناکامی، حرمان، خواری، مطالبات دنیوی و اخروی و روز حشر.

تفصیل این هستی‌شناسی که در شکل ۴ به تصویر کشیده شده، به شرح زیر است:

الف. طبق تصریح آیه فوق‌الذکر، کسی که به خداوند افترا ببندد جزء ستم‌کارترین افراد است آنگاه فلاح و رستگاری از ظالمان نفی شده است؛ معنای این سخن این است که ظلم افترا بر خدا، علت عدم رستگاری، و عدم فلاح و رستگاری، معلول و نتیجه افترا بر خدا است و این عدم رستگاری نه به خاطر ذات افترا زننده بلکه به خاطر فعل افترا است که بزرگ‌ترین ظلم است.

ب. رستگاری، ضد افترا بر خداست و این نیز لازمه عدم رستگاری است؛ بدیهی است که ضد نتیجه یک فعل، در تضاد با خود آن فعل نیز می‌باشد و رستگاری، ضد مفهوم عدم رستگاری است که نتیجه افترا بر خداست؛ پس رستگاری، ضد افترا بر خداست.

ج. محرومیت از رحمت، ثواب و رضوان الهی، یکی از دیدگاه‌های تفسیری در باره جمله «لا یفلح» در آیه فوق‌الذکر است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۴۳۸) و چون عدم رستگاری نتیجه افترا بر خدا است پس محرومیت از رحمت، ثواب و رضوان الهی نتیجه افترا بر خدا نیز است.

د. افترا بر خدا مانع ثواب، رحمت و رضوان الهی است و واسطه این ارتباط نیز مفهوم عدم رستگاری است زیرا اگر محرومیت از ثواب، رحمت و رضوان الهی نتیجه عدم رستگاری و به تبع آن نتیجه افترا بر خداست پس افترا بر خدا مانع ثواب، رحمت و رضوان الهی است.

هـ. در برخی از تفاسیر، مقصود از عدم رستگاری، عدم نجات از آتش و عدم نجات از عذاب الهی تفسیر شده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۴۳۸؛ دینور، ۱۴۲۴ه.ق، ج ۱:

هندسه معنایی افترا بر خدا و نقش هستی‌شناسی در ترسیم آن؛ حسن‌زاده | ۱۵۵

۲۲۲؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۳: ۱۸) و معنای عدم نجات از آتش و عذاب الهی، ورود در آتش و عذاب الهی است؛ پس افترا بر خدا سبب ورود در آتش و عذاب الهی است؛ و چون مفهوم عدم رستگاری، نتیجه افترا بر خدا است پس عدم نجات از آتش و عذاب الهی (ورود در آتش و عذاب الهی) نتیجه افترا بر خدا است.

و. افترا بر خدا مانع نجات از آتش است و این نیز لازمه مطلب فوق الذکر است؛ از سویی نجات از آتش، مصداقی از مفهوم نجات است پس افترا بر خدا در تضاد با اصل نجات نیز می‌باشد.

ز. یکی دیگر از نتایج افترا بر خدا، عدم درک بقاء در بهشت است و واسطه این ارتباط نیز مفهوم عدم فلاح و رستگاری است چرا که مقصود از عدم رستگاری، طبق نظر برخی از مفسران، عدم درک بقاء در بهشت است (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲ه.ق، ج ۷: ۱۰۵).

ز. از جمله نتایج افترا بر خدا عدم ایمنی از عذاب الهی است؛ و واسطه این ارتباط نیز، مفهوم عدم رستگاری است که طبق نظر بعضی از مفسران، مقصود از عدم رستگاری افترا زندگان به خدا، عدم ایمنی از عذاب‌الله است (ر.ک؛ دینور، ۱۴۲۴، ج ۱: ۲۲۲؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۳: ۱۸) پس افترا بر خدا ضد امنیت از عذاب الهی است.

ح. برخی از مفسران، عدم رستگاری را به معنای عدم سعادت تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ واحدی، ۱۴۱۵ه.ق، ج ۱: ۳۴۸؛ میدی، ۱۳۷۱ه.ش، ج ۳: ۳۲۰) و چون عدم رستگاری طبق آیه مذکور، نتیجه افترا بر خدا است؛ پس عدم سعادت نیز نتیجه افترا بر خدا، و افترا بر خدا مانع سعادت است.

ط. برخی از مفسران درباره قلمرو عدم رستگاری نیز نظر داده‌اند، گروهی آن را شامل عدم رستگاری در دنیا و روز حشر جمیع خلائق معنا کرده‌اند (ر.ک؛ مکی، ۱۴۲۹ه.ق، ج ۳: ۱۹۸۳) و بعضی هم آن را منحصر در عدم رستگاری دنیوی دانسته‌اند (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۶۴ه.ش، ج ۶: ۴۰۱) نتیجه‌اش این است که در هستی‌شناسی قرآن و تفاسیر قرآن، افترا بر خدا در تضاد با سعادت دنیوی و سعادت اخروی است.





### ۳-۲-۳. نمونه ۳: عرضه بر خدا

عرضه بر خدا نمونه‌ای دیگر از زیر کلاس «افترا بر خدا» در هستی‌شناسی معارف قرآن است و نوع این رابطه نیز از قبیل رابطه عمل و نتیجه عمل است و خدای تعالی در قرآن آن را یکی از نتایج افترا بر خدا دانسته و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (هود: ۱۸).

هر چند مسئله عرضه بر خدا عمومیت داشته و شامل همه بندگان خدا می‌شود همچنان که فرمود: ﴿وَعَرِّضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا﴾ (کهف: ۴۸) اما آنچه از ذیل آیه استفاده می‌شود این است که این عرضه، حاکی از نوعی از مؤاخذة و بازخواست است؛ چرا که شاهدان که در رأس آن‌ها پیامبران و فرشتگان هستند می‌گویند: این‌ها همان‌هایی هستند که به پروردگارشان دروغ بستند؛ به همین جهت برخی از مفسران گفته‌اند مقصود، عرضه بر خدا برای مفتضح شدن است (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷: ۳۳۱) علامه طباطبایی می‌نویسند: مقصود از عرضه بر خدا ایستادن در پیشگاه خدای متعال بدون هیچ مانعی برای فصل قضا است و لازمه آن نیز رفع حجاب بین بنده و خدا است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ه.ق، ج ۱۰: ۱۸۸) همچنان که می‌فرماید: ﴿يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ﴾ (مؤمن: ۱۶) بعضی هم مقصود از عرضه بر خدا را سؤال از اعمال افترا زندگان تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۴ه.ق، ج ۳: ۳۲۵) برخی هم مقصود از عرضه بر خدا را عرضه اعمال دانسته‌اند (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ه.ق، ج ۶: ۲۳۱) و نیز گفته شده، مقصود از عرضه بر پروردگار، عرضه بر فرشتگان الهی یا انبیای الهی است (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ه.ق، ج ۶: ۲۳۱).

در شکل ۵، هستی‌شناسی کلیدواژه «عرضه بر خدا» با «افترا بر خدا» به تصویر کشیده شده‌است و نتایج آن با توجه به واقعیت آیه فوق و تفاسیر موجود ذیل آیه مذکور، عبارت است از:

الف. لازمه عرضه بر خدا، حضور اضطراری افترا زندگان در پیشگاه خدا (يعرضون علی ربهم) و رفع حجاب بین بنده و خدای تعالی است و مکان این حضور هم روز قیامت است.

ب. عرضه افترا زندگان بر انبیا و فرشتگان الهی، تفسیری از کلیدواژه عرضه بر خداست.

ج. طبق نظر برخی از مفسرین، مقصود از عرضه بر خدا، عرضه اعمال یا سؤال از اعمال است.

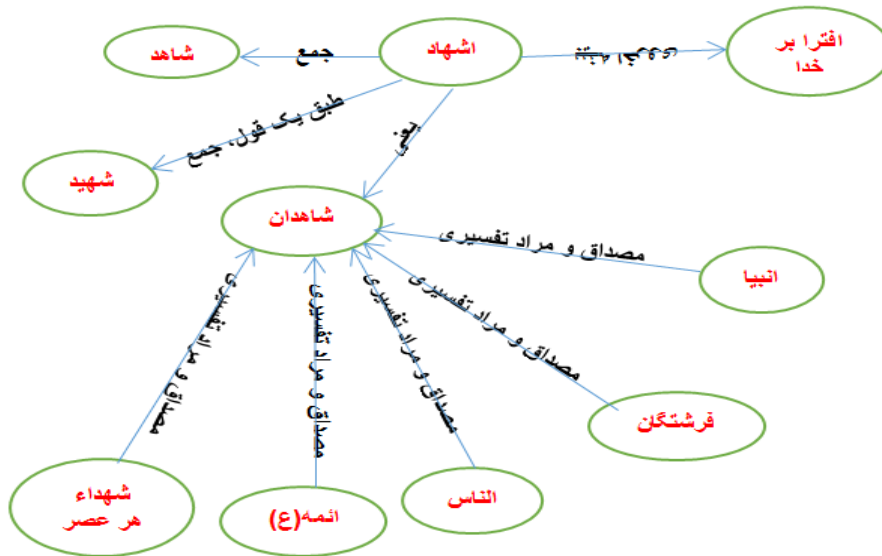
د. هدف عرضه افترا زندگان بر خدا به خاطر داوری الهی و مؤاخذه و مفتضح شدن آنهاست و سبب و علت این امر نیز افترا بر خدا است پس عرضه بر خدا معلول و نتیجه افترا بر خداست.

هـ. کافران، مشرکان، منافقان و بدعت گذاران از مصادیق بارز افترا زندگان و فاعل افترا بر خدا هستند.

و. پس کافر، مشرک، منافق و بدعت گذار، بارزترین کسانی هستند که در روز قیامت به خاطر افترا بی که به خدا بسته‌اند در پیشگاه الهی حاضر شده و مؤاخذه گشته و مفتضح خواهند شد.



مقصود از «اشهاد» طبق نظر برخی از مفسران، فرشتگان الهی (ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲.ه.ق، ج ۱۲: ۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵.ه.ق، ج ۶: ۲۳۱) و بر اساس دیدگاه بری دیگر، انبیای الهی است؛ (ر.ک؛ مقاتل، ۱۴۲۳.ه.ق، ج ۲: ۲۷۷) عده‌ای دیگر مقصود آن را «الناس» (ر.ک؛ مقاتل، ۱۴۲۳.ه.ق، ج ۲: ۲۷۷) و بعضی دیگر مراد از آن را «ائمه» (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۳.ه.ش، ج ۱: ۳۲۵) و برخی دیگر «شهداء تمام اعصار» دانسته‌اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲.ش، ج ۵: ۲۲۷).



شکل ۶. هستی‌شناسی افترا بر خدا

### ۳-۲-۵. نمونه ۵: «لعنت الهی»

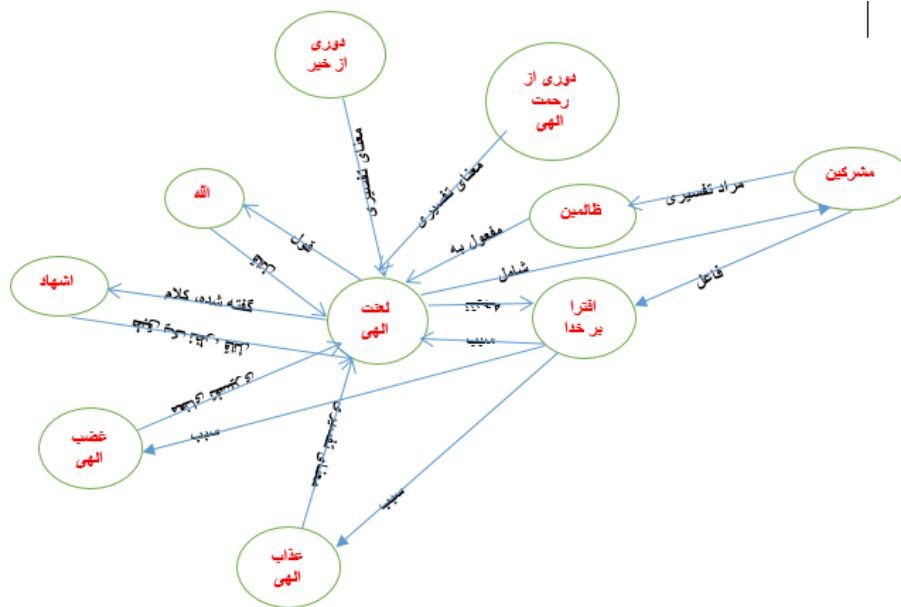
از جمله نمونه‌های زیر کلاس «افترا بر خدا» مفهوم «لعنت الهی» است. این مفهوم نیز با «افترا بر خدا» ارتباط عینی و هستی‌شناسانه (معطوف به ارتباطات آن دو در قرآن و تفسیر) است. نوع ارتباطات دو مفهوم مذکور که در شکل ۷ به تصویر کشیده شده، به شرح زیر است:

الف. «افترا بر خدا» سبب «لعنت الهی» و «لعنت الهی» نتیجه «افترا بر خدا» است و این نتیجه نیز محصول اراده و اختیار افترا زننده است. خدای تعالی می‌فرماید: (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ ... أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ) (هود: ۱۸).

هندسه معنایی افترا بر خدا و نقش هستی‌شناسی در ترسیم آن؛ حسن‌زاده | ۱۶۱

وقتی خداوند سبحان افترا بر خود را بزرگترین ظلم دانسته و آنگاه لعنتش را شامل ظالمان می‌کند نتیجه‌اش این می‌شود که افترا زنده بر خدا مشمول لعنت الهی است.  
 ب. مقصود از «لعنت‌الله» طبق نظر بعضی از مفسران «دوری از رحمت خدا» (طبرسی، ۱۳۷۲ه.ش، ج ۵: ۲۲۷) و بر اساس نظر برخی دیگر «دوری از خیر» است. (همان) عده‌ای هم آن را به «عذاب الهی» و «غضب الهی» تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ه.ق، ج ۲: ۱۴۴).

ج. در باره این که قائل قول «لعنت‌الله» چه کسی است نیز دو نظر وجود دارد برخی آن را کلام خدای تعالی و بعضی دیگر کلام «اشهاد» یعنی شاهدان در قیامت دانسته‌اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ه.ش، ج ۵: ۲۲۷؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۳: ۴۲۳).



شکل ۷. هستی‌شناسی افترا بر خدا

۳-۲-۶. نمونه ۶: «جهنم»

از جمله نمونه‌ها و زیرکلاس «افترا بر خدا» کلیدواژه «جهنم» است.

ارتباط این دو مفهوم در قرآن و تفاسیر که در شکل ۸ به تصویر کشیده شده به شرح زیر است:

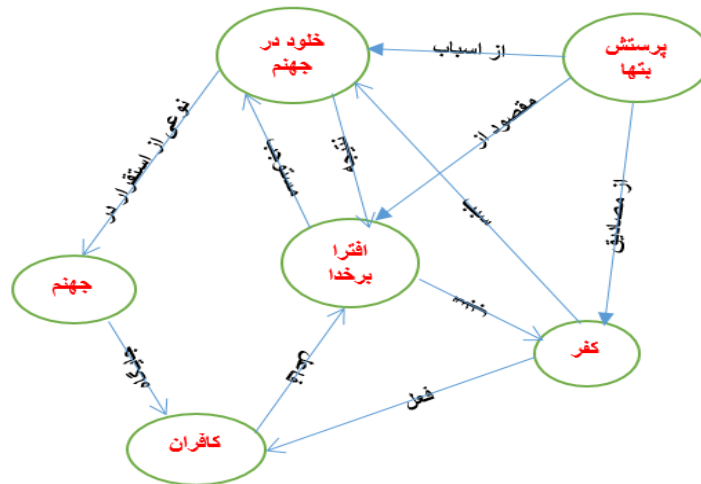
الف. قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ﴾ (عنکبوت: ۶۸)

خداوند تعالی در این آیه - پس از آن که افترا زنده دروغ به خدا را ستمکارترین فرد دانسته - می‌فرماید: آیا جایگاه کافران در جهنم نیست؟ معنایش این است که افترا زنده بر خدا، کافر و جایگاهش جهنم است. نتیجه‌اش این است که افترای بر خدا سبب ورود در جهنم است.

ب. مقصود از افتراء در این آیه نسبت دروغ به خدای تعالی در باره پرستش اصنام است در حالی که خداوند چنین اجازه‌ای را به مشرکان نداده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸: ۴۵۸).

۳. افترا بر خدا موجب خلود در جهنم برای کافران است (ر.ک؛ کاشانی، ۱۳۳۶ ه.ش، ج ۷: ۱۵۵).

«مَثْوًى» به معنای «مأوی» یعنی جایگاه است (ر.ک؛ مقاتل، ۱۴۲۳ ه.ق، ج ۳: ۳۹۰) خداوند در این آیه از افترا زندگان دروغ به او سؤال می‌کند - و این استفهام نیز استفهام حقیقی نیست بلکه استفهام تقریری است که نوعی از استفهام مجازی است - آیا نمی‌دانید که جهنم جایگاه کافران است یعنی شما که می‌دانید کافران در جهنم محلد هستند پس چگونه به خود جرئت می‌دهید به خدا افترا بزنید (ر.ک؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳ م، ج ۷: ۴۸).



شکل ۸. هستی‌شناسی افترا بر خدا

### ۳-۲-۷. نمونه ۷: «اثم مبین»

یکی دیگر از نمونه‌های قابل طرح در آنتولوژی «افترا بر خدا»، کلید واژه «اثم مبین» است. ارتباطات عینی «اثم مبین» با «افترا بر خدا» که در شکل ۹ به تصویر کشیده شده، به شرح زیر است:

الف. «افترا بر خدا» از مصادیق بارز «اثم مبین» است.

این ارتباط با توجه به تصریح قرآن است که می‌فرماید: «أَنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ كَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا» (نساء: ۵۰) بین چگونه بر خدا افترای دروغ می‌بندند، و همین گناه آشکار برای آن‌ها کافیت.

ب. «افترا بر خدا» از مصادیق بارز افعال زشتی است که انسان را از خیرات باز داشته و رسیدن خیرات را کند و دور می‌سازد.

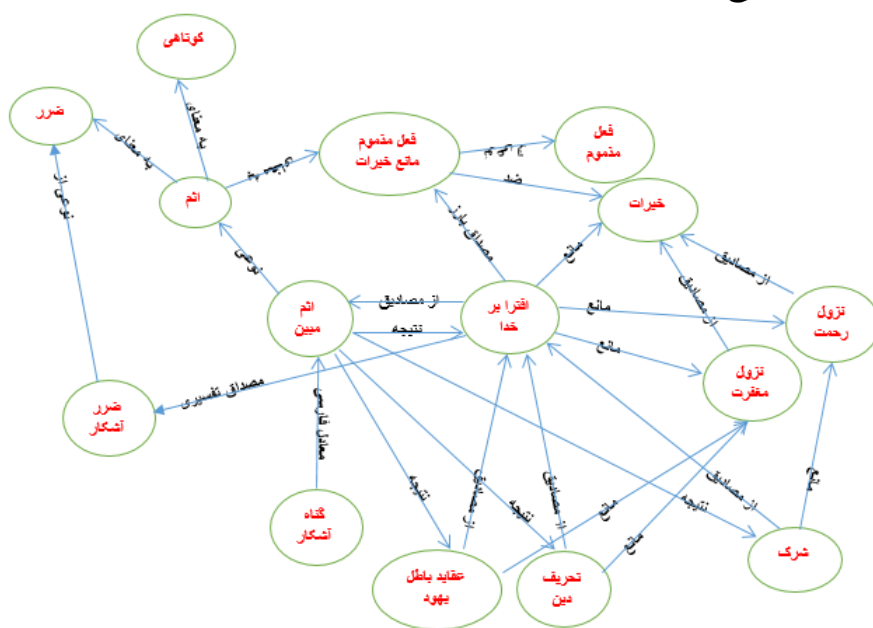
رابطه فوق با توجه به معنای لغوی «اثم» است. اثم در لغت به معنای بطل (کنندگی)، تأخر (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۶۰) تقصیر و کوتاهی است (ر.ک؛ عسکری، ۱۴۰۰ق: ۲۲۹) راغب اصفهانی آن را اسم برای افعالی می‌داند که مانع رسیدن به ثواب و خیرات است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۳) علامه طباطبایی همین معنا را در تفسیر

آیه فوق مد نظر قرار داده و می‌نویسد: تعبیر به «اثم» (فعل مذمومی که مانع رسیدن انسان به خیرات است) مناسب با افترا بر خدا است زیرا شرک و فروع آن مانع نزول رحمت است و کفر نیز مانع مغفرت است (ر.ک؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۳۷۴).

ج. «افترا بر خدا» مانع نزول رحمت و مغفرت است.

این رابطه نیز لازمه تفسیر علامه طباطبایی است. بیان مطلب این است که ایشان از یک سو شرک و کفر را مانع نزول رحمت و مغفرت دانسته و از سوی دیگر، شرک و کفر را از مصادیق «افترا بر خدا» می‌داند؛ پس «افترا بر خدا» مانع نزول رحمت و مغفرت است.

د. «افترا بر خدا» از مصادیق ضرر آشکار است. این رابطه با توجه به نظر برخی از مفسران است که گفته‌اند: «اثم» به معنای ضرر است و این معنا به دلیل مقابله «اثم» با «منفعت» در آیه ۲۱۹ سوره بقره است که می‌فرماید: ﴿إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ (ر.ک؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۵).



شکل ۹. هستی‌شناسی افترا بر خدا



### ۳-۲-۸. نمونه ۸: ضلالت

ارتباطات هستی‌شناسانه «افترا بر خدا» با مفهوم «ضلالت» که در شکل ۱۰ به تصویر کشیده شده به شرح زیر است:

۱. «افترا بر خدا» سبب «ضلالت» و «ضلالت» نتیجه «افترا بر خدا» است.

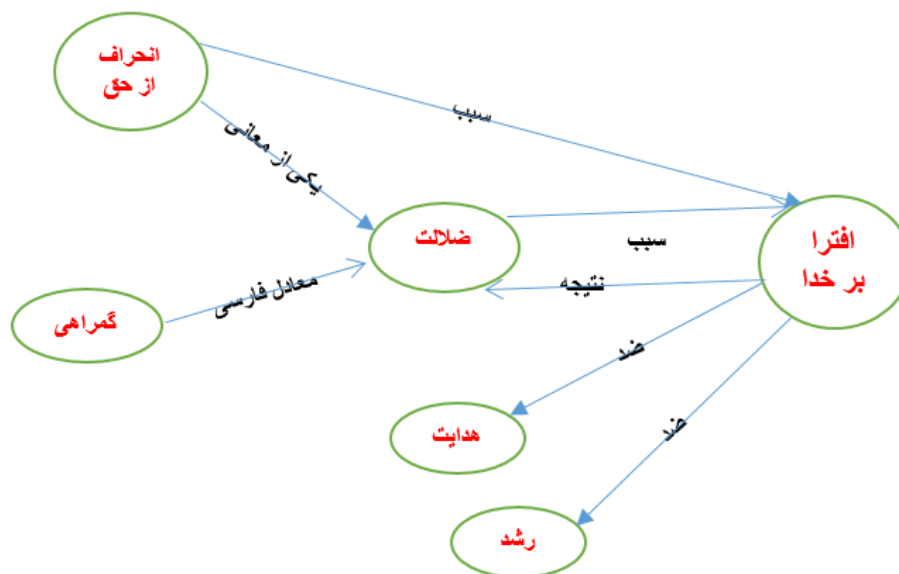
قرآن کریم رابطه فوق را این‌گونه تصریح می‌کند: ﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ (انعام: ۱۴۰) کسانی که با کشتن فرزندانشان از روی سفاهت و بدون علم و حرام کردن روزی خدا بر خود، بر خدا افترا بستند به تحقیق که گمراه شده و هدایت نیافتند.

۲. «افترا بر خدا» موجب انحراف از حق است.

این رابطه با توجه به معنای ضلالت است که در اصل به معنای ضایع شدن چیزی و استفاده از آن در مسیر نادرست یعنی انحراف از حق است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۵۶)

۳. «افترا بر خدا» ضد هدایت و رشد است. این رابطه با توجه به معنای ضلالت است

که برخی آن را ضد هدایت و رشد معنا کرده‌اند (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ۳۹۰).



شکل ۱۰. هستی‌شناسی افترا بر خدا

### ۳-۳. خصیصه‌های افترا بر خدا

رکن سو آنتولوژی‌ها مسئله «رابطه» است که در اصطلاح هستی‌شناسی به آن «خصیصه» نیز گفته می‌شود (ر.ک؛ دوخانی، ۱۳۹۲: ۴۱۴). تحقق عینی و واقعی آنتولوژی افترا بر خدا متوقف بر رعایت دقیق این رکن است و این مهم نیز بدون نگاه هستی‌شناسانه میسر نیست و مقصود از نگاه هستی‌شناسانه این است که رابطه مفاهیم دیگر با موضوع «افترا بر خدا» منطبق با واقعیت مورد نظر در قرآن و تفاسیر باشد و این مهم نیز تنها از طریق ترسیم روابط (خصیصه‌ها) میان واژگان به صورت کامل، غیر مبهم، دقیق، شفاف و صریح حاصل می‌شود که در شکل‌های ۳ تا ۱۰ منعکس شده‌است؛ مانند:

۱. رابطه «سببیت و نتیجه» بین «افترا بر خدا» با مفهوم «ضلالت»؛

۲. رابطه «ضدیت و مانعیت» بین «افترا بر خدا» با مفهوم «هدایت» و «رشد»؛ یعنی

هدایت و رشد انسان مانع افترا بر خدا است و افترا بر خدا در تضاد با هدایت و رشد است.



## منابع

- قرآن کریم. نسخه عثمان طه. ترجمه فولادوند.
- ابن جزى غرناطى، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ه.ق). *كتاب التسهيل لعلوم التنزيل*. بيروت: شركت دارالارقم بن اب الارقم، چاپ اول.
- ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي. (۱۴۱۰ه.ق). *مشابه القرآن و مختلفه*. چاپ اول. قم: انتشارات بيدار.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). *التحریر و التنویر*. بی جا.
- ابن عطيه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ه.ق). *المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*. چاپ اول. بيروت: دارالكتب العلميه. منشورات محمد علي بيضون.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ ه.ق). *معجم مقاييس اللغة*. چاپ اول. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ابن كثير دمشقی، اسماعيل بن عمرو. (۱۴۱۹ه.ق). *تفسير القرآن العظيم*. (ابن كثير)، بيروت: دارالكتب العلميه.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ ه.ق). *لسان العرب*. بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- ابوالسعود، محمد بن محمد. (۱۹۸۳م). *تفسير ابي السعود*. (ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم) چاپ اول. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
- امامی جو، محمد حسین. (۱۳۹۰). *نگرشی نو به کذب و افترا بر خدا و رسول در حوزه حدیث*. مجله مطالعات قرآن و حدیث سفینه بهار. شماره ۳۰. صص ۳۱-۵۸.
- اندلسی ابو حیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ه.ق). *البحر المحيط في التفسير*. بيروت: دارالفکر.
- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ه.ق). *روح المعانی في تفسير القرآن العظيم*. بيروت: دارالكتب العلميه.
- بطحائي، حسن. (۱۳۹۵). *بررسی حوزه معنایی افترا و بهتان در قرآن کریم و روایات*. نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی. <https://civilica.com/doc/508529>
- بلاغی نجفی، محمد جواد. (۱۴۲۰ه.ق). *آلاء الرحمن في تفسير القرآن*. قم: نشر بنیاد بعثت.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ه.ق). *تفسير مقاتل بن سليمان*. بيروت: دار احیاء التراث.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ه.ق). *انوار التنزيل و اسرار التأویل*. بيروت: دار احیاء التراث العربی.

هندسه معنایی افترا بر خدا و نقش هستی‌شناسی در ترسیم آن؛ حسن‌زاده | ۱۶۹

- پایدار، صمد. (۱۳۸۹ه.ش). «مهندسی هستی‌شناسی»، سایت <http://wwatlab.um.ac.ir>
- جرجانی، محمدبن علی. (۱۴۱۸ه.ق). *التعريفات*. چاپ چهارم. بیروت: دارالکتاب العربی.
- جمعی از محققان. (۱۳۸۶ه.ش). *اصطلاح نامه اخلاق اسلامی*. قم: نشر مؤسسه بوستان کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰ه.ش). *تسنیم تفسیر قرآن*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حسن زاده، حسین. (۱۳۹۷ه.ش). *ضرورت ضرورت ایجاد آنتولوژی فقه برای مدیریت اطلاعات فقهی در فضای دیجیتال*. مجله فقه. دوره ۲۵. شماره پیاپی ۹۶. صص ۲۸-۵۶.
- حسینی، بی بی حکیمه. (۱۳۹۵). *معناشناسی واژگان مترادف نما در قرآن*. مطالعه موردی: کذب، افک، بهتان و افتراء» نخستین همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی.
- <https://civilica.com/doc/508418>
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۲۳ه.ق). *تبیین القرآن*. بیروت: نشر دارالعلوم.
- حقی بروسی، اسماعیل. (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: نشر دارالفکر.
- دوخانی، فیروزه. (۱۳۹۲ه.ش). *چشم‌اندازی به نرم افزار پروتج*. مجله گفتمان علم و فناوری. شماره ۷. صص ۴۰۷-۴۳۲.
- دینوری، عبدالله بن محمد. (۱۴۲۴ه.ق). *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*. چاپ اول. بیروت: نشر دار الکتب العلمیه. منشورات محمد علی بیضون.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ه.ق). *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق: نشر دارالعلم الدارالشامیه.
- روستایی، علیرضا. (۱۴۰۰). *تأثیر بافت زبانی در گزینش باهم‌آیی واژگان قرآن کریم* «مطالعه موردی سوره ابراهیم(ع)». *مجله پژوهش های زبانشناختی قرآن*. دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۴۳-۶۰.
- زحیلی، وهب بن مصطفی. (۱۴۱۸ه.ق). *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*. دمشق: دارالفکر المعاصر.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ه.ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- سبزواری نجفی، محمدبن حبیب‌الله. (۱۴۱۹ه.ق). *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سمرقندی، نصرین محمد. (۱۴۱۶ه.ق). *تفسیر المرقندی المسمی بحرالعلوم*. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.

۱۷۰ | فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی | سال سیزدهم | شماره ۵۱ | زمستان ۱۴۰۱

سیوطی، جلال الدین. (۱۴۱۶.ق). *تفسیر الجلالین*. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.  
سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر. (۱۴۰۴.ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: نشر کتابخانه  
آیت الله مرعشی نجفی «ره».

شریف، عاطفه. (۱۳۸۷.ش). «کاربرد هستی شناسی در مدیریت دانش». *مجله کتابداری و اطلاع  
رسانی*. ش ۳. صص ۹۷-۱۱۶.

شوکانی، محمدبن علی. (۱۴۱۴.ق). *فتح القدير*. دمشق: دار ابن کثیر دار الکلم الطیب.  
شیخ طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸.م). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن الکریم* (طبرانی). چاپ اول. اردن:  
دارالکتاب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲.ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.  
طبری، ابو جعفر محمدبن جریر. (۱۴۱۲.ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. بیروت: نشر  
دارالمعرفه.

طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵.ش). *مجمع البحرین*. تهران: نشر مرتضوی.  
طیب، سید عبد الحسین. (۱۳۷۸.ش). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. تهران: نشر  
انتشارات اسلام.

طیبی، علیرضا. (۱۳۹۵). *معناشناسی واژگان مترادف نما در قرآن؛ مطالعه موردی: کذب، افک،  
بهتان و افتراء، نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی*.

<https://civilica.com/doc/508531>

عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰.ش). *تفسیر عاملی*. تهران: انتشارات صدوق.  
عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰.ق). *الفروق فی اللغة*. بیروت: دارالآفاق الجدیده.  
علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۵.ق). *کشف المراد فی تجرید الاعتقاد*. قم: انتشارات جامعه  
مدرسین حوزه علمیه قم.

علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۵.ق). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. قم: انتشارات  
جامعه مدرسین قم.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷.ق). *تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

هندسه معنایی افترا بر خدا و نقش هستی‌شناسی در ترسیم آن؛ حسن‌زاده | ۱۷۱

فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ه.ق). *مفاتیح الغیب*. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۷ه.ق). *المحججه البضاء فی تهذیب الاحیاء*. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ه.ق). *تفسیر صافی*. تهران: انتشارات الصدر.

فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۸ه.ق). *الاصفی فی تفسیر القرآن*. قم: مرک انتشارات دفتر تبلیغات. فیضی دکنی، ابوالفضل. (۱۴۱۷ه.ق). *سواطع الالهام فی تفسیر القرآن*. قم: نشر دارالمنار.

فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ه.ق). *المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر*. قم: مؤسسه دارالهجره. قرشی، علی اکبر. (۱۴۱۲ه.ق). *قاموس قرآن*. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ه.ش). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ه.ش). *تفسیر قمی*. چاپ سوم. قم: نشر دارالکتاب.

کاشانی، ملا فتح الله. (۱۳۳۶ه.ش). *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتاب فروشی محمد حسن علمی.

کاشفی سبزواری، حسین بن علی. (۱۳۶۹ه.ش). *مواهب علیه*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ه.ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۶). *دایره المعارف قرآن کریم*. قم: مؤسسه بوستان کتاب. چا دوم. (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

مقاتل، ابن سلیمان. (۱۴۲۳ه.ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ه.ق). *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*. قم: نشر مدرسه امام علی بن ابی طالب.

مکی، ابن حموش. (۱۴۲۹ه.ق). *الهدایه الی بلوغ النهایه*. امارات: نشر جامعه الشارقه. چاپ اول. کلیه الدراسات العلیا و البحث العلمی.

منصوب به امام صادق علیه السلام. (۱۴۰۰ه.ق). *مصباح الشریعه*. چاپ اول. بیروت: نشر اعلمی.

موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۰۹.ق). *مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه اهل البيت (ع).

میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱.ه.ش). *کشف الاسرار و عدة الابرار* (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری). تهران: نشر امیر کبیر.

نراقی، مهدی بن ابی ذر. (بی تا). *جامع السعادات*: بی جا.

نقیب، سید محمد. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی - تحلیلی ترجمه قرآن بهرام پور و صفوی بر پایه الگوی انسجام هلیدی و حسن (مطالعه موردی سوره نازعات). *مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*. سال دوم. شماره چهارم. صص ۱۲۱-۴۳.

واحدی، علی بن احمد. (۱۴۱۵.ق). *الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*. چاپ اول. بیروت: نشر دارالقلم.

وفایی، اعظم. (۱۳۹۶). جستاری در معناشناسی افترا و بهتان و قلمرو آن در قرآن. *مجله مفتاح (مطالعات تفسیری و معناشناختی قرآنی)*. شماره ۴. صص ۱۰۵-۱۲۰.

## References

- The Holy Quran. Osman Taha's version. Translated by Foulavand.
- Abu al-Saud, Muhammad bin Muhammad. (1983). *Tafsir of Abi al-Saud*. Beirut: Dar al-Haya al-Toras al-Arabi.
- Andalsi Abuhian, Muhammad bin Yusuf. (1999). *Al-Bahr al-Muhayt in al-Tafseer*. Beirut: Dar al-Fekr.
- Alousi, Seyyed Mahmoud. (1994). *The spirit of meanings in the interpretation of the great Qur'an*. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- A group of researchers. (2007). *Thesaurus of Islamic ethics*. Qom: Publication of Bostan Kitab Institute.
- Ameli, Ibrahim. (1981). *Factorial interpretation*. Tehran: Sadouq Publications.
- Askari, Hassan bin Abdullah. (1979). *Differences in language*. Beirut: Dar al-Afaq Al-Jadideh.
- Allameh Heli, Hassan bin Yusuf. (1994). *Discovering meaning in the abstraction of belief*. Qom: Publications of the Society of Teachers of Qom Seminary.
- Allameh Heli, Hassan bin Yusuf. (1994). *The discovery of meaning in the description of abstraction of belief*. Qom: Qom Teachers Society Publications.



- Appointed to Imam Sadiq (peace be upon him). (1979). *Misbah al-Sharia* First Edition. Beirut: Scientific Publishing.
- Batahai, Hassan. (2015). *Examining the semantic field of defamation and slander in the Holy Quran and hadiths*. The first national conference on word research in Islamic sciences. <https://civilica.com/doc/508529/>
- Balaghi Najafi, Mohammad Javad. (1999). *Al-Rahman fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Baath Foundation Publication.
- Balkhi, Muqatil ibn Suleiman. (2002). *Tafsir Muqatil bin Sulaiman*. Beirut: Dar Rehya al-Trath.
- Beizawi, Abdullah bin Omar. (1997). *Anwar al-Tanzil and Asrar al-Taawil*. Beirut: Dar al-Haya al-Toras al-Arabi.
- Dukhani, Firuzeh. (2013). *An overview of Protege software*. Science and Technology Discourse Magazine. No. 7. pp. 407-432.
- Dinouri, Abdullah bin Muhammad. (2003). *Tafsir of Ibn Wahhab al-Masami al-Sharif in Tafsir al-Qur'an al-Karim*. First edition. Beirut: Al-Kutub Al-Alamiya Publishing House. Mohammad Ali Beyzoon's leaflets.
- Emamijo, Mohammad Hossein. (2011). A new attitude to lies and defamation of God and the Messenger in the field of hadith. *Safina Bahar Quran and Hadith Studies Journal*. No. 30. pp. 31-58.
- Fakhr Razi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar. (1999). *Mofatih al-Ghaib*. Third edition. Beirut: Dar al-Haya al-Toras al-Arabi.
- Feiz Kashani, Mohammad Bin Shah Morteza. (1996). *Al-Mahjah-al-Badaa in the refinement of Ahaya*. Qom: Islamic Publishing House of the Modaresin Community.
- Feiz Kashani, Mollah Mohsen. (1994). *Safi interpretation*. Tehran: Sadr Publications.
- Feiz Kashani, Mollah Mohsen. (1995). *Al-Asfi fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Merck Publications Office of Advertising.
- Feizi Decani, Abolfazl. (1996). *Swat al-ilham fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Dar al-Manar publishing house.
- Fayoumi, Ahmad bin Mohammad. (1993). *Al-Masbah al-Munir fi Gharib Sharh al-Kabir*. Qom: Dar al-Hijrah Institute.
- Hassanzadeh, Hossein. (2018). The necessity of creating an ontology of jurisprudence to manage jurisprudence information in the digital space. *jurisprudence magazine Volume 25*. Serial number 96. pp. 28-56.
- Hosseini, Bibi Hakimeh. (2015). *Semantics of synonymous words in the Qur'an. Case Study: Falsehood, Afek, Blasphemy and Defamation*. The First National Conference on Terminology in Islamic Sciences. <https://civilica.com/doc/508418>
- Hosseini Shirazi, Seyyed Mohammad. (2002). *Explanation of the Qur'an*. Beirut: Darul Uloom Publishing.

- Haghi Brusi, Ismail. (n.d.). *Tafsir of Ruh al-Bayan*. Beirut: Dar al-Fekr publishing house.
- Ibn Jazi Gharnati, Muhammad Ibn Ahmad. (1995). *The book of Tashil Uloom al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Arqam Bin Ab al-Arqam Company, first edition.
- Ibn Shahr-Ashub Mazandarani, Muhammad bin Ali. (1989). *It is similar to the Qur'an and different*. First Edition. Qom: Bidar Publications.
- Ibn Ashur, Muhammad Ibn Tahir. (n.d.). *Tahrir and al-Tanvir*. n.p.
- Ibn Attiyah, Abdul Haq bin Ghalib. (2001). *Muhrar al-Awaziz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*. First Edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. Mohammad Ali Bizoun's leaflets.
- Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris. (1983). *Dictionary of comparisons*. First Edition. Qom: School of Islamic Studies.
- Ibn Kathir Damesghi, Ismail bin Amr. (1998). *Tafsir of the Great Qur'an*. (Ibn Kathir), Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. (1993). *Arabic language*. Beirut: Dar al-Fekr for printing and distribution.
- Paidar, Samad. (2010). "Ontological Engineering", site <http://wwatlab.um.ac.ir>
- Jurjani, Mohammad Bin Ali. (1997). *Definitions*. fourth edition. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Javadi Amoli, Abdullah. (2011). *Tasnim Tafsir of the Qur'an*. Qom: Isra Publishing Center.
- Kashani, Mullah Fethullah. (1957). *Tafsir al-Sadiqin's method in the obligation of al-Malafin*. Tehran: Mohammad Hasan Elmi bookstore.
- Kashfi Sabzevari, Hossein bin Ali. (1990). *gifts against* Tehran: Iqbal Printing and Publishing Organization.
- Majlisi, Mohammad Baqer. (1982). *Bahar Al-Anwar* Beirut: The Revival of Arab Heritage.
- Muqatil, Ibn Suleiman. (2002). *Tafsir Muqatil bin Suleiman*, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, first edition.
- Makarem Shirazi, Nasser. (2000). *Al-Athml in Tafsir of the Book of Allah Al-Manzil*. Qom: Imam Ali Bin Abi Talib School Publication.
- Makki, Ibn Hamoush. (2008). *Al-Hidayah until final maturity*. Emirates: Sharjah Society Publishing. First Edition. Faculty of Higher Studies and Scientific Research.
- Mousavi Sabzevari, Seyyed Abdul Ali. (1988). *The merits of Rahman in the interpretation of the Qur'an*. Beirut: Ahl al-Bayt Institute.
- Meybodi, Ahmad bin Muhammad. (1992). *Discovering secrets and many secrets (known as interpretation of Khwaja Abdullah Ansari)*. Tehran: Amir Kabir publishing house.
- Naraghi, Mahdi bin Abi Dhar. (n.d.). *Jame Al-Saadat*: No place.

- Naqib, Seyyed Mohammad. (2017). A comparative-analytical study of Bahrapour and Safavi translation of Quran based on Halidi and Hassan coherence model (case study of Surah Nazaat). *Journal of Quranic Studies and Islamic Culture*. second year. Number four. pp. 121-243.
- Qureshi, Ali Akbar. (1991). *Quran dictionary*. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya Publishing House.
- Qurtubi, Mohammad bin Ahmad. (1985). *Al-Jami Lahkam Al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow Publications.
- Qomi, Ali bin Ibrahim. (1984). *Qomi's interpretation*. Third edition. Qom: Daral Kitab Publishing House.
- Quran Culture and Education Center. (2007). *Encyclopedia of the Holy Quran*. Qom: Book Garden Institute. The second cha (Islamic Propaganda Office Publishing Center of Qom Seminary).
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1991). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*. Damascus: Dar al-Alam al-Dar al-Shamiya Publishing House.
- Roustaei, Alireza. (2021). The influence of the linguistic context in the choice of co-occurrence of the words of the Holy Quran "Case study of Surah Ibrahim (pbuh)". *Journal of Qur'an Linguistic Research*. Volume 10, No. 1, pp. 43-60.
- Sabzevari Najafi, Mohammad Bin Habibullah. (1998). *Irshad al-Azhan to Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Taarif for Press.
- Samarkandi, Nasr bin Mohammad. (1995). *Tafsir Al-Marqandi al-Musami Bahr al-Uloom*. First Edition. Beirut: Dar al-Fekr.
- Siyuti, Jalaluddin. (1995). *Tafsir al-Jalalin*. Beirut: Al-Noor Publishing House.
- Siyuti, Abdur Rahman Ibn Abi Bakr. (1983). *Elder al-Manthur in Al-Tafsir in Mathur*. Qom: Publishing House of Ayatollah Marashi Najafi "Ra".
- Sharif, Atefeh. (2008). "Application of ontology in knowledge management". *Journal of library and information*. Volume 3. pp. 97-116.
- Shukani, Mohammad bin Ali. (1993). *Fath al-Qadir Damascus*: Dar Ibn Kathir Dar al-Kalam al-Tayyib.
- Sheikh Tusi, Mohammad Bin Hasan. (n.d.). *Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Haya al-Toras al-Arabi.
- Tabarani, Suleiman bin Ahmad. (2008). *Al-Tafsir al-Kabir: Tafsir al-Qur'an al-Karim (Tabrani)*. First edition. Jordan: Dar al-Kitab al-Thaqafi.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1993). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow Publications.
- Tabari, Abu Jafar Muhammad bin Jarir. (1991). *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. First Edition. Beirut: Dar al-Marafa publication.

- Tarihi, Fakhreddin bin Muhammad. (1996). *Assembly of Bahrain* Tehran: Mortazavi Publishing.
- Tayeb, Seyyed Abdul Hossein. (1999). *Atib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. second edition. Tehran: Islam publishing house.
- Tayebi, Alireza. (2015). *Semantics of synonymous words in the Qur'an; Case study: Falsehood, falsehood, slander, and slander, the first national conference on word research in Islamic sciences*. <https://civilica.com/doc/508531/>
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1996). *Tafsir al-Mizan* Qom: The Islamic Publications Office of the Madrasin Community.
- Wahidi, Ali bin Ahmad. (1994). *Al-Awjiz fi Tafsir Kitab Al-Aziz*. First Edition. Beirut: Dar al Qalam publishing house.
- Wafai, Azam. (2016). A study on the semantics of defamation and slander and its scope in the Quran. *Miftah Magazine (Quranic Exegetical and Semantic Studies)*. Number 4. pp. 105-120.
- Zaheili, Wahba bin Mustafa. (1997). *Al-Tafseer Al-Munir in Al-Aqeedah, Al-Sharia, and Al-Manhaj*. Damascus: Dar al-Fekr al-Mawdani.
- Zamakhshari, Mahmoud. (1986). *Al-Kashaf on the facts of Ghawamaz al-Tanzil*. Beirut: Daraktab al-Arabi.

استناد به این مقاله: حسن‌زاده، حسین. (۱۴۰۱). هندسه معنایی افترا بر خدا و نقش هستی‌شناسی در ترسیم آن، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۱۳(۵۱)، ۱۴۱-۱۷۶.

DOI: 10.22054/RJQK.2023.71495.2735



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.